

کی جی بی در افغانستان



قسمت دوازدهم

ناسازگاری

در آستانه سرنگون سازی حفیظ الله امین و پیش از آنکه گروه افغانان (کارمل، سروری و دیگران) از تاشکند به کابل برده شوند کارمل سوگند یاد کرد که احساسات شخصی خود در برابر خلقی ها را کنار گذاشته و فقط منافع دولت را مدنظر خواهد گرفت. اسدالله سروری عضو دفتر سیاسی، معاون شوروی انقلابی و معاون صدراعظم، سید محمد گلاب زوی عضو کمیته مرکزی و وزیر داخله، اسلم وطنجار عضو کمیته مرکزی و وزیر مخابرات و شیرجان مزدوریار عضو کمیته مرکزی و وزیر ترانسپورت همه امتنان قلبی خود بخاطر کمک ها و مساعدت هایی که در روزگار دشوار به آنها شده بود و سپاسگزاری خود از حزب کمونیست و حکومت اتحاد شوروی و شخص برژنف را بخاطر برخورد انترناسیونالیستی شان به حوادث افغانستان ابراز داشته گفتند که از همه بیشتر به نظرات رفقای شوروی ارزش قایل بوده و وظیفه کمونیستی خود می دانستند تا همه دستورها و هدایات رهبری شوروی را پیروی نمایند.

اما رهبری جدید حزبی و دولتی افغانستان به وعده ها و سوگندهای خود وفادار نمانده ستیزه و جنگ درون حزبی پایان نیافت. کارمل دریکی از گردهم آیی ها اظهار داشت: «خلقی ها باید بدانند که اتحاد شوروی پشتیبان پرچی هاست. اگر کدام قطعه نظامی به قیام مسلحانه علیه دولت دست زند شوروی ها آنرا تا آخرین فرد نابود خواهند ساخت.» نکته درین بود که اکثر فرماندهان اردوی افغانستان خلقی ها بودند. اعضای ارشد کی جی بی و فرماندهان ارشد ارتش شوروی در افغانستان در همان اوایل یعنی در مارچ ۱۹۸۰ به آندروپوف و اوستینوف گزارش دادند که وزارت دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان و ریاست عمومی امور سیاسی آن توجه چندانی به جنگ بر ضد شورشیان نداشتند چون می پنداشتند که سربازان شوروی به حساب کار آنان خواهد رسید. گمان می رود گزارش بگونه بی نوشته شده بود تا از اشتباهات جناح خلق بگونه آشکارتر ولی بصورت عام انتقاد صورت گیرد بدون آنکه از افراد مشخصی نام گرفته شود.

نیاز محمد^۱ مسئول شعبه اقتصادی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. که در دسمبر ۱۹۸۰ بخاطر تداوی در ماسکو بسر می برد بطور خصوصی و محرمانه اظهار داشت که به افغان ها دستور داده شده است تا هنگام دیدار و گفتگو با شوروی ها بگویند که در حزب اتحاد برقرار بوده مصونیت اهالی سراسر کشور تأمین و شرایط خوب فعالیت اقتصادی در کشور بوجود آمده است. خلقی ها بخاطر دادن معلومات درست به مشاورین شوروی مورد کفر و

^۱ باید منظور نیاز محمد مومند عضو کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و عضو شورای انقلابی باشد - برگرداننده

مجازات قرار می گرفتند. در دیداری که نیاز محمد با تابییف و گریکوف در ماه جون در سفارت شوروی داشت تابییف گفت که شاخه خلق منحیت یک جریان سیاسی دیگر کاملاً سرکوب گردیده است ولی این بدان معنی نیست که در میان خلقی ها کمونیستان واقعی وجود نداشتند. «تره کی کوشش کرد به آنان کمونیزم را بیاموزاند ولی موفق نگردید.» نیاز محمد اعتراض آمیز اظهار داشت: «در حزب حرف های درست گفته می شوند لکن اندیشه های درست تحریف می گردند. حدیث² بر امور حزبی مقدم دانسته می شود. یکپارچگی در حزب حتی میان منشیان حزبی وجود ندارد. تشکیلات حزبی در جایی که اکثریت اعضای آن ها خلقی ها هستند منحل و بجای آنها تشکیلات جدیدی ایجاد می گردد و مقامات دولتی به دوستان و آشنایان داده می شود. مردم قطعاً از حزب پشتیبانی نمی نمایند. رهبری حزب بدین اندیشه است که اتحاد شوروی همه مسائل اقتصادی و نظامی ما را حل می کند و همه فکر و ذکر شان متوجه موتر، مقام و خوش گذرانی است.» سخنان نیاز محمد با این پرسش تحریک آمیز گستاخانه قطع گردید: «این مفکوره ها را در کله شما کی جا داده است؟»

در برابر این نظر شوروی ها که خلقی ها و پرچی ها اعضای حزبی واحد تلقی کردند مخالفت وجود داشت و کارمل در برابر آن بازتاب منفی نشان می داد. بروز ۳ سپتمبر ۱۹۸۰ حین بحث روی کاندید پیشنهادی فرماندهان نظامی شوروی برای فرماندهی فرقه ۱۱ پیاده وی در حضور اوسادچی و محمد رفیع اوقات تلخی خود را بدین گونه نشان داد: «نمی دانم چرا رفقای شوروی چنین تصامیمی را بدون آنکه با من منحیت منشی عمومی ح.د.خ.ا. مشوره کنند اتخاذ می نمایند؟ آنها واضحاً نمی دانند که این کار مداخله در امور داخلی ماست.» کارمل بصورت مشخص استقلال و آزادی عمل بیشتر در مسائل مربوط به تقرر افراد را می خواست و بر افسران ارشد، بخصوص انانی که خلقی بودند، بهانه گیری می کرد. وی حدس می زد که آنان معلومات غیر مجاز در مورد وضعیت کشور به فرماندهی قوای شوروی می دادند و از اندیشه دوساختن خلقی ها، بخصوص سروری، گلاب زوی، وطنجار و مزدور یار از مقامات حکومتی باز نمی ایستاد و همواره تکرار می کرد که «دستان آنها آغشته بخون است.» کارمل در عین زمان می کوشید تا بیخ هرگونه رقیب احتمالی را بکند و موقف خود را در حزب و دولت مستحکم سازد. اقامتگاه کی جی بی عقیده داشت که کارمل هنوز برای برآمدن از عهده رهبری حزب آماده نیست چون وی همانند سابق در تنگنای دیگاه پرچی خود گیر بوده خلقی ها را اپورتونیست هایی در صفوف ح.د.خ.ا. می دانست، میان طرفداران تره کی و امین تفاوتی نمی دید و می خواست تا تره کی، امین و جناح خلق در مجموع بی اعتبار و بدنام باشند. وی تاکتیک ایستایی مثبت بکار می برد یعنی با دقت به مشوره گوش می کرد ولی برای به مرحله عمل گذاشتن آن کاری انجام نمی داد و اکثراً شکوه می کرد که «این مفکوره من نبود که با خلقی ها یکجا گرد یک میز بنشینم. این چگونه اتحاد و یکپارچگی است؟ آیا بهتر نیست علیه این اپورتونیزم مبارزه صورت گیرد؟»

کارمل در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ روی اساسات تئوریک اعاده نظم در ح.د.خ.ا. که مبتنی بر سرکوب جناح خلق و افشای رسوایی ایدئولوژیک «خلفیزم - تره کیزم» بود کار می کرد. وی درین راستا سلسله مقالات نشر شده توسط حزب توده ایران پیرامون تاریخچه حزب کمونیست اتحاد شوروی را به دقت مورد مطالعه قرار داد و همه جنبش های مخالف و ضد حزبی را که توسط بلشویک ها سرکوب گردیده بودند مطالعه کرد. نتیجه گیری عمده اش ازین درس های تاریخی این بود که «اگر حزب کمونیست اتحاد شوروی این تعداد گروه ها و فراکسیون های مخالف را پیش از دست یابی به وحدت و یکپارچگی سرکوب و از صحنه سیاسی بدر کرد ما در ح.د.خ.ا. چرا نمی توانیم با عین شیوه در برابر فراکسیون خلق عمل نماییم؟ تا وقتی چنین کاری صورت نگیرد وحدت در صفوف ح.د.خ.ا. بوجود نخواهد آمد.»

با گذشت هرچه بیشتر زمان کارمل بیشتر و بیشتر ضد خلقی می شد. هنگام صحبت با همناهای شوروی خود از موضع کسی سخن می گفت که به دریافت حقیقت نایل شده و به آن ایمان دارد، نه از موضع کسی که هنوز به دنبال حقیقت می گردد. «تازمانی که شما دست های مرا بسته نگهدارید و نگذارید که به حساب جناح خلق برسم ح.د.خ.ا. به وحدت دست نخواهد یافت و دولت مضبوط و مستحکم نخواهد شد. تا زمانی که خلقی ها در حزب وجود دارند وحدت ارگانیک ناممکن است. آنها ما را شکنجه کردند، ما را کشتند و هنوز هم از ما نفرت دارند. آنها دشمنان وحدت و یکپارچگی اند.» کارمل همین موضعگیری فکری را در برابر گروه کار و سازمان انقلابی زحمتکاران افغانستان (سازا) نیز داشت.

² کذا فی الاصل. منظور از کلمه «حدیث» دانسته نشد - برگرداننده

کارمل چرا در چنین موضع افراطی و آشتی ناپذیر افتاده بود؟ وضعیت کشور، قوای مسلح و حزب چپین لجاجت و سرسختی را توجیه نمی کرد و موقف خودش نیز با چنین آشتی ناپذیری بهبود نمی یافت. در واقع رهبری ح.د.خ.ا. با چنین موضعگیری به هیچ وجه مؤفقیتی در آوردن ثبات و عادی ساختن وضع در کشور بدست نیاورد و نیز نتوانست پی آمد های سو سیاست های تره کی و امین را بزداید. مردم در برابر نظام حاکم منفی گرا و بی تفاوت بودند و رهبری حزب نیز وضعیت و حالت واقعی اوضاع را در عرصه های مختلف حزبی و کشوری درک نمی کرد و بر وظایف عمده خود آگاه نبود. اینرا می توان از روی این حقیقت پی برد که همه بیانیه ها و قطعنامه های پلنوم ماه جولای ۱۹۸۰ کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. توسط شوروی ها آماده گردیده بودند. بخش عمده آنها را دگرمن پاولوف³ مسئول گروه اطلاعاتی نمایندگی کی جی بی و عضو خدمات شماره ۱ ریاست عمومی اول کی جی بی نوشته بود. جلسات دفتر سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و مقامات دولتی گفتار ها و تبادل نظر های خود جوش میان اشتراک کنندگان بود و هیچ قطعنامه ای صادر نمی شد مگر اینکه از پیش توسط شوروی ها تهیه می گردید. افغان ها به دسیسه چینی ها و توطئه سنجی های داخل حزبی بیش از اندازه توجه می کردند و پنداشت آن بود که سائر مسائل را شوروی ها درست خواهند کرد. روش آنها روش وابستگان بود ولی صفا و صمیمیت لازم با رفقای شوروی در آن دیده نمی شد.

کارمل به این نظر بود که افزایش نفوذ و مداخله شوروی در افغانستان موقف و اهمیت او را بالا خواهد برد ولی به شوروی ها اجازه نخواهد داد تا بگونه دلخواه او را کنترل کنند، بدین لحاظ اقامتگاه کی جی بی در کابل در نظر داشت در آینده نه چندان دور شرایط همکاری بیشتر را به صراحت در برابر کارمل گذاشته و ادامه کار با او را منوط به آن شرایط سازد.

اندروپوف و دست پرورده اش کریوچکوف برای بازدید به افغانستان آمدند. کارمل در دسامبر ۱۹۸۱ یکبار دیگر با اندروپوف و اوستینوف در تاشکند ملاقات کرد و به آنها وعده سپرد تا همه پیشنهادات آنها را بمنصه اجرا گذاشته جلب و جذب سربازان به اردو و خاندوی را افزایش بخشد، قادر را به سمت معاون وزیر دفاع مقرر کرده وحدت را در حزب تأمین نماید و شماری از اشخاص را از کارهای شان برکنار سازد. کارمل ازین دیدار قوی دل شد ولی این فوران انرژی دیری نپایید چون خودش و همراهانش همه شدیداً نگران ازین بودند که نه اردو و نه خاندوی هیچ کدام حیثیت پشتگاه پرچمی ها را نداشت. آنها تکیه گاه و پایه قدرت خود خدمات اطلاعات دولتی (خاد) و برخی واحد های فعالین حزبی را می دانستند.

خلقی ها زیر فشار فزاینده قرار داده شدند. سروری⁴ مبارزه علیه آنانرا لازم می دانست تا از هرگونه توطئه ضد دولتی جلوگیری شده باشد. کشتمند خواستار «یکسره شدن کار خلقی ها در ظرف یک سال» شد. در برخی جاها پرچمی ها به اعمال دهشت در برابر رقبای خود دست یازیدند چنانکه منشی اول کمیته ولایتی بلخ اضافه از ده خلقی را از میان برد. خلقی هایی که در دستگاه حزبی و در قوای مسلح کار می کردند در مورد آینده و مصئونیت خود نگران بودند و آوازه هایی را پخش می کردند که اتحاد شوروی پرچمی ها را گماشته بود ولی آنها نمایندگان بورژوازی بودند و با منافع کسانی که باید جمهوری دموکراتیک افغانستان را رهبری می کردند سازگار نبودند. پرچمی ها کنفرانس ملی ح.د.خ.ا. را که در مارچ ۱۹۸۲ دایر شد نمایانگر غلبه و پیروزی شان بر جناح خلق می انگاشتند.

کارمل اتهام فراقسیون بازی را بر سروری، گلاب زوی، وطنجار و مزدوریار وارد می کرد. وی باری به نگهبانان خود دستور داد تا حینی که گلاب زوی، وطنجار، مزدوریار یا کسی از سائر خلقی ها به دفترش می آمد در آنجا حضور داشته و چنان بنمایانند که گویی خلقی ها آمادگی حمله بر وی را داشتند. کارمل هنگام صحبت با سروری نا آرام و وارخطا می بود. وی می گفت که خلقی، پرچمی یا گروه کاری در ح.د.خ.ا. وجود ندارد و ح.د.خ.ا. حزب یکپارچه است ولی در داخل این حزب یکپارچه گروهبندی های داخل حزبی وجود دارند که باید از نظر سیاسی و سازمانی کار آنها یکسره شود. وی درین ارتباط از نمایندگان شوروی خواست تا مسئله فرستادن سروری و گلاب زوی را به خارج کشور مورد غور قرار دهند. در می ۱۹۸۰ تا بیبیف و ایوانوف توصیه کردند تا دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کی جی بی موافقه کنند تا بمنظور کاهش تنش میان شاخه های خلق و پرچم ح.د.خ.ا. سروری پس از معالجه و درمان در اتحاد شوروی منحیث سفیر به منگولیا

³ A.V. Pavlov

⁴ کنا فی الاصل ولی این باید اشتباه باشد و به گمان قوی بجای «سروری» باید «کارمل» نوشته می شد - برگرداننده

فرستاده شود و با گلاب زوی نیز رفتار همسان صورت گیرد. کی جی بی در ابتدا کوشش کرد تا سروری را حق بجانب نشان دهد و از تلاش های کارمل، کشتمند، رفیع و قادر برای عزل وی به سبب جنایاتی که در زمان امین هنگامیکه زمام امور خدمات امنیتی را در دست داشت جلوگیری نماید، بدین لحاظ تنها زمانی به گمارش وی منحیث سفیر توافق نشان داد که سروری خود از کی جی بی خواست تا اجازه دهد از کار سیاسی کناره گیری نماید.

کی جی بی همچنین سخت کوشید تا گلاب زوی را که عنصری وفادار و جانفشان در راه همکاری افغان شوروی می دانست و در مقام وزیر داخله کار نیکو انجام داده بود براثت دهد. در می ۱۹۸۲ یک گروه کاری از جانب کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. موظف گردید تا کار وزارت داخله را مورد تفتیش و بررسی قرار دهد. گزارش تهیه شده به رهبری وزارت داخله نشان داده نشد بلکه به کارمل و تنی چند از منشیان کمیته مرکزی ارائه گردید. اقامتگاه کی جی بی در کابل آنرا با ذرایع عملیاتی بدست آورد. به نظر اقامتگاه کی جی بی گزارش مذکور واقع بینانه و بیطرفانه نوشته نشده بود بلکه حقایق برشمرده شده به گونه یی انتخاب شده بودند تا کفه ضد گلاب زوی را سنگینتر سازند. کی جی بی اینرا بازتابی از کشمکش های سیاسی داخل حزبی و دست کم گرفتن نقش کمک های شوروی در ایجاد خارتدوی به مثابه یک نیروی مسلح فعال می دانست. نمایندگی کی جی بی و وزارت داخله^۵ به سفیر شوروی اظهار داشتند که گزارش در مورد کار وزارت داخله جانبدارانه بوده و نتیجه گیری های گزارش نباید در کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. مورد بحث قرار گیرد اما تابییف به این امر موافق نبود و عقیده داشت که موضوع باید در دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. مورد بحث قرار گرفته و نتیجه گیری های لازم از آن صورت گیرد. نمایندگی کی جی بی و وزارت داخله^۶ با اذعان بر اینکه چنین مباحثاتی در جهت بی اعتبار ساختن گلاب زوی و برکنار ساختن وی از مقام وزارت سیر خواهد کرد از تابییف خواستند تا از نفوذ خود بگونه یی کار گیرد تا گزارش مذکور برای بحث مطرح گردد اما اقدامی دران مورد صورت نگرفت. کی جی بی اختلاف نظر با تابییف را به ماسکو گزارش داد. این کار منتج به صادر شدن دستوری به تابییف گردید که بموجب آن نتیجه گیری ها در مورد فعالیت های فراکسیونی گلاب زوی را خنثی و اقداماتی را در آجندای مباحثات بگنجانند که منتج به بهبود کار وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان گردد.

با وجود اینهمه کار گلاب زوی در جلسه بسته دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. که بریاست کارمل بروز ۴ سپتمبر دایر گردید مورد انتقاد قرار گرفت و برکنارسازی وی از مقام وزیر داخله مطرح گردید ولی اشاره یی به تأیید سفیر شوروی دران گنجانیده شد. نمایندگان کی جی بی و وزارت امور داخله^۷ در ملاقاتی که بروز ۵ سپتمبر با تابییف داشتند و دران سرمشاور نظامی شوروی و کفیل مشاور ارشد حزبی فتی یف^۸ نیز حضور داشتند یکبار دیگر برعلیه برکناری گلاب زوی سخن گفتند. درین بار تابییف در برابر خواست آنان عقب نشینی کرد. آنها تصمیم گرفتند تا مسوده قبلاً آماده شده یک مصوبه کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. را یکجا با برنامه بهبود کار وزارت داخله به کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ارائه دارند و قرار شد مباحثه روی این پیشنهادات با گزارشی که قبلاً در مورد کار وزارت داخله ارائه شده بود پیوند داده نشود.

بروز ۲۱ سپتمبر موضوع وارد ساختن یا وارد نساختن اتهام علیه گلاب زوی یکبار دیگر با تابییف مطرح گردید. تابییف در حالیکه مشاور ارشد حزبی رومانسوف^۹ حرفش را تأیید می کرد بر این نکته پافشاری داشت که نارسایی های کار وزارت داخله و شخص گلاب زوی مورد تفتیش قرار گیرد. وی این پافشاری خود را چنین توجیه می کرد که وزارت امور داخله اتحاد شوروی موافق بود تا تعزیرات شدید علیه گلاب زوی اتخاذ گردد. باوجود توافقاتی با تابییف در مورد اینکه دارالانشای کمیته مرکزی در برابر گلاب زوی برانگیخته نگردد، مسوده مصوبه کمیته مرکزی که به کمیته مرکزی فرستاده شد تعدیل گردید. بنابراین نمایندگان کی جی بی و وزارت امور داخله^{۱۰} پیشنهاد کردند تا سفیر و سرمشاور نظامی از طریق رومانسوف از افغانان بخواهد تا ملاقات روز ۲۵

^۵ منظور باید وزیر داخله یعنی گلاب زوی باشد - برگرداننده

^۶ ایضاً

^۷ ایضاً

^۸ V.K. Fateyev

^۹ A.V. Romantsov

^{۱۰} نویسنده واضح نکرده است که منظور وزارت داخله اتحاد شوروی است یا وزارت داخله افغانستان و یا اینکه باز هم منظور باید وزیر داخله یعنی گلاب زوی باشد - برگرداننده

سپتمبر را به سبب اینکه موضوع مطروحه نیازمند کار بیشتری بود به تعویق اندازند و در یک ملاقات مقدماتی با کارمل نماینده کی جی بی از وی بخواهد تا منحيث منشی عمومی حزب به خواهش کی جی بی و وزارت داخله اتحاد شوروی رهبری مباحثات روی مسوده ارائه شده را شخصاً بدست گیرد. نجیب الله با نشان دادن شواهد و اسنادی از برخی کارهای غیر اخلاقی گلاب زوی و نقشه یکی از خویشاوندانش برای جذب فرمانده کندک محافظین کارمل آتش کدورت وی در برابر گلاب زوی را دامن زد.

نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه آن در کابل آهسته آهسته کارهای کارمل و شرکایش را مغایر منافع اتحاد شوروی در افغانستان تشخیص می دادند و نشانه های آنرا در روحیه فزاینده ضد شوروی در حزب و در کشور و کند شدن روند انقلابی می دیدند. خط مشی سکتاریستی و وابسته منشانه اتخاذ شده توسط کارمل بمثابه ترمزی بر این پروسه تلقی گردید که اتحاد شوروی را مجبور می ساخت تا جنگ علیه دشمن را به تنهایی به پیش برد. اینان معلومات در مورد وضعیت واقعی در حزب و کشور را از مشاورین شوروی پنهان می کردند. نجیب الله به هیئتی از خاد که از ماسکو دیدن می کرد هشدار داد تا هنگام صحبت در مورد وضعیت افغانستان و ح.د.خ.ا. در ماسکو نهایت محتاط باشند چون ساختمانی که برای رهپایش شان اختصاص داده شده بود با وسائل استراق سمع مجهز خواهد بود.

کارمل، نور احمد نور، محمود بریالی، سلطان علی کشتمند، اناهیتا راتب زاد و گل آقا همه درین حلقه سخت گیران شامل بودند. آنها مانع ترفیع و تقرر افغانانی می شدند که از اکادمی ها و نهادهای تحصیلات عالی اتحاد شوروی فارغ گردیده بودند. از جمله ۲۷۱ تنی که تحصیلات عالی در اتحاد شوروی را تکمیل کرده بودند ۱۷۳ تن آنها در قوای مسلح کار می کردند ولی ازین میان تنها یک نفر که رئیس ارکان یک قول اردو بود در یک مقام بالایی کار می کرد ولی از جانب دیگر پرسونل نظامی ایکه در کشورهای سرمایه داری آموزش دیده بودند حائز مقام های بالاتر بوده و کم از کم قوماندانان لواها و فرقه ها بودند.

گل آقا یک پرچمی افراطی بود. وی مشاورین را به جانبداری از خلقی ها و فعالیت برضد مشی عمومی وحدت حزب متهم می ساخت و به این باور بود که بین فراکسیون های خلق و چریم آشتی امکان نداشت. «خلقی هایی که بر علیه مردم جنایت کرده اند تا هر وقت که بخواهند خود را مخفی ساخته می توانند ولی کیفر شایسته جنایات خود را خواهند دید. خائنین و آدمکشان در اتحاد شوروی مدت ها پس از ختم جنگ محاکمه و محکوم شدند. عین چیز در افغانستان نیز واقع خواهد شد.» نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه آن در کابل پیشنهاد کردند تا گل آقا از مقامش منحيث رئیس امور سیاسی اردو برکنار ساخته شود. آنها کارمل را نیز فردی تنبل و بیکاره می دانستند که ساعت ۹ صبح از بستر برمی خواست و در کار خود هم سخت کوش نبود. کارمل تا حدی مانند تره کی بود. وزیران را در انتظار نگه می داشت و وزیر امور داخله را نه به حیث وزیر امور داخله بلکه بحیث مخبر وضعیت رهبری ح.د.خ.ا. به دفتر کار خود می پذیرفت. کارمل انسان دو دل و فاقد اعتماد به نفس بود و این خصیصه اش در تذبذب آشکار و سلوک و برخورد شل و بی حالش با ساترین و آسان زیر تأثیر دیگران قرار گرفتن بازتاب می یافت ولی او خود را یکی از شخصیت های بزرگ جهانی و پر اهمیت تر از فیدل کاستروی کیوبا می دانست. وی بر دستگیر پنجشیری عضو دفتر سیاسی و مسئول کمیسیون نظارت و کنترل حزبی بی اعتماد بود چون به عقیده او پنجشیری «هنوز در همه چیز نظریات خاص خود را دارد و منبع و منشأ اختلافات داخل حزبی است.» کارمل همچنین پسرخاله خود عبدالوکیل وزیر مالیه را بخاطر همکاری با کی جی بی بصورت غیر مستقیم مورد انتقاد قرار می داد. دامن اخلاقی کارمل نیز بی لکه نبود چون با اناهیتا راتب زاد عضو دفتر سیاسی روابط عاشقانه داشت.

گلاب زوی در مورد وضعیت بیست و چهار ساعت گذشته کشور روزمره به کارمل گزارش می داد. وی از سلوک نمایندگان شوروی در برابر کارمل در شگفت بود چون آنگونه که باید بروی اعمال نفوذ نمی کردند و بر باده نوشی مستدام و دائم الخمر بودن وی و کاری که در حزب می کرد چشم می بستند. کارمل برای حزب و دولت رهبری منفعل و بی عرضه بود. یگانه چیزی که مورد توجهش قرار داشت این بود که چگونه آبروی سرکردگان جناح خلق را بریزد. در مورد ثبات و استحکام وضعیت در کشور تشویش و نگرانی نداشت چون شوروی ها را مسئول آن می پنداشت ولی در عین حال برکار مشاورین شوروی نیز خورده گیری می کرد. به گفته گلاب زوی که باری گفته بود «کارمل رئیس دربار است نه رئیس جمهور و من وزیر داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان نه بلکه وزیر داخله کابل می باشم چون بخش اعظم کشور بدست شورشیان است.»

سطح و شیوه زندگی نزدیکان کارمل نیز تعریف زیادی نداشت. محمود بریالی منشی کمیته مرکزی و رئیس شعبه بین المللی ح.د.خ.ا. که از زن دیگر پدر کارمل و برادر ناسکه او بود و رهبر احتمالی آینده پنداشته می شد در تجارت و داد و ستد خانه و موتر مصروف بود. نور احمد نور و صالح محمد زیری هر روز از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح کنار سماوار نشسته چای می نوشیدند و قصه می کردند. نجیب الله، شاه محمد دوست و صادقی¹¹ گروه دیگری را تشکیل می دادند. نظریات آنها در مورد وحدت حزب دارای نرمش و انعطاف بیشتر بود ولی تصامیم کارمل را مورد پرسش قرار نمی دادند. خویش خوری و امتیاز بخشی به دوستان و خویشاوندان در داخل رهبری ح.د.خ.ا. سخت شیوع داشت. آنها در اختلاس و حیف و میل ملکیت دولتی بخاطر ارضاع خواهشات و عیش و نشاط خود اندکترین تردید و دریغی نداشتند.

در مارچ ۱۹۸۲ سک洛夫 (معاون وزیر دفاع) و اخرومیف (معاون لوی درستیز) به اوستینوف (وزیر دفاع شوروی) گزارش دادند که نور احمد نور، محمود بریالی و گل آقا با پشتیبانی کشتمند، نجیب و رفیع بر علیه منافع وحدت حزب فعالیت داشتند. اینان بخاطری بطور اخص خطرناک بودند که اثر و نفوذشان در حال افزایش بود و اکثراً نظرات و توصیه های مشاورین شوروی را نادیده می گرفتند و برخوردشان سالوسانه و بدون صداقت بود. رهبران نظامی شوروی پیشنهاد کردند تا این اشخاص بصورت تدریجی از مقامات کلیدی برکنار و بخارج کشور فرستاده شوند.

قادر مورد اعتماد عام و تام ارگان های دولتی و نظامیان شوروی قرار داشت. اقامتگاه کی جی بی به وی ارج می گذاشت و او را مثابه مردی اصولی و فداکار در برابر اتحاد شوروی می شناخت. قادر ناسازگاری میان پرچمی ها و خلقی ها را نتیجه موقف اجتماعی پرچمی ها می دانست. اکثریت پرچمی ها برخاسته از لایه های ممتاز جامعه افغانی بودند در حالیکه خلقی ها بیشترین از لایه های بینوا و زحمتکش برخاسته بودند. وی خود در زندان مورد شکنجه جسمی قرار گرفته و عصب دست راستش قطع گردیده بود. کارمل شخصیت نیرومند قادر را می دانست و در نهان از او بدش می آمد و بر او بی باور بود. اقامتگاه با در نظر داشت دیدی که کارمل از قادر داشت پیشنهاد کرد تا از وی بیشتر کار گرفته شود. در سال ۱۹۸۲ شوروی ها توانستند رفیع را جهت کسب آموزش نظامی به اتحاد شوروی بفرستند و قادر را بجایش نصب کنند. مارشال سک洛夫 گزارش ذیل را در مورد قادر به ماسکو فرستاد: «عبدالقادر به اتحاد شوروی وفادار بوده و بدون دستور شوروی ها یا موافقه آنان دست به هیچگونه حرکت نظامی یا سیاسی نخواهد زد. وی با جنرال سوروکین روابط خوب کاری دارد. نظر ما بر اینست که عبدالقادر یکی از رهبران حزبی دولتی افغانی است که دورنمای خوب دارد و میتواند برای ما مفید باشد.» اما نجیب با اضافه کردن معلوماتی در مورد دغلی قادر در معاملات مالی، ذهنیت ضد حزبی و نقشه های توطئه گرانه اش این سفارش نامه بی عیب را خدشه دار ساخت. قادر کوشش کرده بود تا گلاب زوی را تشویق نماید با او متحد شده و برای اعاده نظم به نیروی نظامی دست برند. نظر قادر آن بود که اردو قدرت را بدست گیرد و پس از آنکه دموکراسی در کشور مستحکم گردید آنها را به نیروهای سالم حزب بسیار چون کارمل نتوانسته بود به حزب وحدت و به کشور ثابت و استحکام بیاورد. از جانب دیگر وی به کارمل پیشنهاد کرد تا وی (قادر) اپوزسیون دست راستی یا دست چپی را بوجود آورده در رأس آن قرار گیرد تا نمایی از دموکراسی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به میان آید، سپس وی (کارمل) اپوزسیون واقعی را که توسط این حيله آشکار و علنی شده خواهد بود سرکوب نماید. کارمل این نقشه را اوانتوریزم و پرووکاسیون (ماجرا جویی و تحریک گری) از جانب قادر تلقی کرد.

هنگامی که یک هیئت افغانی آمادگی میگرفت تا جهت اشتراک در ۲۶مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی¹² به ماسکو سفر کند، تابییف، کوزلوف، مایوروف و سپولنیکوف¹³ تلگرامی حاوی درخواست ذیل به اندروپوف فرستادند: هنگام صحبت و مذاکره با هیئت افغانی باید افغانان و ادار ساخته شوند تا در عملیات رزمی سهم گرفته و صرفاً شاهد و تماشا بین فعالیت سربازان شوروی نباشند. شوروی ها باید کارمل را متوجه تعداد زیاد اشخاص بسازد که به احزاب اسلامی و سازمانهایی که برای انقلاب ایجاد خطر می کردند منسوب بوده و در

¹¹ احتمالاً محمد یاسین صادقی رئیس شورای وزیران است (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی). قابل تذکر است که توضیح ویرایشگر نسخه انگلیسی در مورد مقام یاسین صادقی اشتباه آمیز است چون کسی به این نام هرگز رئیس شورای وزیران که همانا نخست وزیر است نبوده است - برگرداننده

¹² ۲۶مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در فیبروری - مارچ ۱۹۸۱ دایر شد (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

¹³ Tabeev, Kozlov, Mayorov & Spolnikov

حزب، دستگاه دولتی، رسته افسران و پولیس کشور جا گرفته بودند. در صورتی که افغانان بگویند که به نمایندگان شوروی در افغانستان معلومات عینی و درست در مورد مسائل مختلف داده نشده است رهبران شوروی باید پاسخ دهند که نمایندگان شوروی در همه ساحات جمهوری دموکراتیک افغانستان مشغول کار بوده از وضعیت کشور و حزب معلومات دقیق دارند و جانب شوروی دیدی واقعیه در مورد وضعیت در افغانستان دارد. اگر مسائل پرسونل و مقرری ها، بخصوص موضوع تبدیلی عبدالوکیل وزیر مالیه به کارهای دیپلماتیک، مطرح گردد درینصورت جانب شوروی باید پاسخ دهد که نیازی به این کار نیست و اینکه این موضوع تنها به سبب برداشت ذهنی گرایانه کارمل نسبت به وکیل بدین گونه مطرح گردیده است. رهبری شوروی باید پیشنهاد کنند که می شود خلقی های افراطی را با کمک و همکاری خلقی های صادق و راستکار (که باید به آنها توجه بیشتر صورت گیرد) تجرید نمود.

در ۲۶مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی از تره کی در جمله کمونیستانی که در فاصله میان دو کنگره درگذشته بودند نام برده نشد. پرچمی ها اینرا ضربه بزرگی بر خلقی ها و گرایشات شان و کمکی «برابر با نیمسال تلاش های خود ما» درین زمینه تلقی کردند.

سفر ونچوک، وسیلوف، گریکوف، کوزلوف، لومونوسوف، فتی یف، رومانوسوف و زمریانوف¹⁴ تتی چند از مشاورین ایدئولوژیک ح.د.خ.ا. بودند. بین اپریل ۱۹۷۸ و اکتوبر ۱۹۸۲ که شمار اعضای حزب به ۶۰۰۰۰ تن می رسید عضویت حزب اضافه از بیست چند افزایش یافت. از نظر طبقاتی اعضای حزب متعلق به خرده بورژوازی بوده تنها ۸٪ اعضا را می شد متعلق به طبقه کارگر دانست. هیچ عضوی از طبقه کارگر در بالاترین ارگان های حزبی و دولتی، کمیته مرکزی یا شورای انقلابی سراغ نمی شد. رشد کمی حزب بخاطر مولید کی جی بی یعنی ارگان های کیفری دولت و سازمان حزبی کابل بود که هریک به ترتیب ۲۸۰۰۰ عضو و ۱۱۵۰۰ عضو داشتند.

ادامه دارد

V.S. Safronchuk, S.M. Veseliv, Grekov, Kozlov, V.G. Lomonosov, V.K. Fateev, A.V. Romantsov & V.G.Zamaryanov